

نقش کیفیت نهادی در رابطه بین ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانک

الهام منصوری نیا^{۱*}

امیرحسین عظیمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۵/۳۱

چکیده

امروزه نقش کمیته حسابرسی در حفظ ثبات بانکی به طور فزاینده ای اهمیت یافته است. کمیته حسابرسی به عنوان سازوکار اصلی حاکمیت شرکتی، همواره نقش نظارتی موثری را شرکتها و همچنین سیستم بانکی کشور ایفا می نماید. هدف این تحقیق تبیین نقش کیفیت نهادی در رابطه بین ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانک می باشد. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش علمی همبستگی می باشد. جامعه آماری تحقیق کلیه بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در بازه زمانی ۵ ساله ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ بوده است که از طریق نمونه گیری حذف سیستماتیک در مجموع ۱۸ بانک مورد مطالعه قرار گرفتند. متغیر وابسته تحقیق ثبات بانک و متغیر مستقل تحقیق ساختار کمیته حسابرسی و کیفیت نهادی متغیر تعدیلگر می باشد. برای آزمون فرضیه های تحقیق از مدل رگرسیون تعمیم یافته و داده های ترکیبی استفاده شد. یافته های تحقیق نشان داد که در ساختار کمیته حسابرسی استقلال و تخصص اعضای کمیته تاثیر منفی بر مطالبات معوق بانک دارد و ثبات بانک افزایش می یابد؛ اما کیفیت نهادی تاثیری بر رابطه بین ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانک ندارد؛ بنابراین با افزایش تعداد اعضای مستقل و دارای تخصص مالی در کمیته حسابرسی پرداخت تسهیلات با ریسک عدم پرداخت بانک محدود شده و ثبات بانک افزایش خواهد یافت.

واژگان کلیدی

کیفیت نهادی، ساختار کمیته حسابرسی، ثبات بانک

۱. استادیار گروه حسابداری، موسسه غیرانتفاعی فروردین قائم شهر، مازندران، ایران. (نویسنده مسئول: mansourinia.elham@gmail.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، موسسه غیرانتفاعی فروردین قائم شهر، مازندران، ایران.

۱. مقدمه

بخش بانکداری در اقتصادهای نوظهور شاهد تحولات مهمی در توسعه بازار مالی بوده است. بروز بحران مالی اخیر در جهان منجر به یک سری تغییرات ساختاری اقتصادی شد. نظام بانکی و موسسات مالی در نحوه حفظ فعالیت های عملیاتی، رفع زیان و نیاز به نقدینگی با مشکل مواجه شده اند. ثبات مالی و توسعه پایدار به کلید توسعه اجتماعی و اقتصادی جهانی تبدیل شده است (شایر و همکاران^۱، ۲۰۲۱). سیستم بانکی نقش بسزایی در توسعه انسانی، اجتماعی و اقتصادی داشته است. در واقع، یک بانک سالم عمده‌تأمین می‌تواند وام دهی بیشتری را ترویج کند و کارمزدها را کاهش دهد، در صورتی که یک بانک هزینه کارمزد بانکی، هزینه های سربار و خدمات مشتری بالایی داشته باشد سودآوری و عملکرد اقتصادی کسب و کار را کاهش می‌دهد (نگوین^۲، ۲۰۲۰).

تعاریف زیادی برای ثبات مالی ذکر شده است؛ اما بیشتر آنها بر این نکته اتفاق نظر دارند که بی ثباتی نظام مالی متشکل از حالتهایی است که نظام مالی قادر به انجام اثربخش کارکردهای تعریف شده خود نباشد و دچار بحران کارکردی شده باشد. یک نظام پولی با ثبات متضمن ظرفیت تخصیص کارای منابع، ارزیابی و مدیریت ریسک های مالی، حفظ سطوح اشتغال در نزدیکی نرخ طبیعی اقتصاد و حذف تغییرات قیمت نسبی دارایی های مالی و واقعی است که بر ثبات پولی و سطوح اشتغال تأثیر خواهد گذاشت؛ به بیان دیگر، ارزش واقعی ثبات نظام مالی در دوره‌های بی ثباتی بیشتر نمایان می شود. بی ثباتی نظام مالی به معنی ناتوانی بانک ها در تأمین مالی پروژه های سودآور و نامتوازن بودن کارکرد تأمین مالی به وسیله آنهاست؛ بنابراین، بی ثباتی عمده در نظام مالی ممکن است سبب سراسیمگی بانکی، تورم مضاعف و سقوط بازار سرمایه شود و اعتماد بین المللی به بازار مالی و نظام اقتصادی را تضعیف کند (بانک جهانی^۳، ۲۰۱۶).

هیئت مدیره به عنوان رأس حاکمیت شرکتی داخلی یک بانک (فاما و جنسن^۴، ۱۹۸۳)، در نظارت بر رفتار ریسک پذیر بانک و حفظ ثبات بانک نقش مهمی ایفا می کنند. پس از بحران مالی ۲۰۰۸، مقررات اصلاحی بازل، هیئت مدیره بانک ها را تحت فشار قرار داده است تا به وسیله مدیریت ریسک در نظارت شرکت کنند و هیئت مدیره معمولاً این نقش را از طریق کمیته حسابرسی ایفا می کنند (سان و لیو^۵، ۲۰۱۴). با این حال، بانک‌های بیشتری پس از بحران کمیته‌های ریسک ایجاد کرده‌اند، بنابراین سوال این است که آیا کمیته های حسابرسی همچنان نقشی در حفظ ثبات بانک ایفا می کنند یا خیر؟ در بانکها نیز مانند هر شرکتی ممکن است مشکل خطر اخلاقی به دلیل اطلاعات نامتقارن وجود داشته باشد. سهامداران عمده برای پذیرش ریسک بیش از حد انگیزه دارند و با دنبال کردن سرمایه گذاری های پرریسک تر، ثروت را از سهامداران به سپرده گذاران انتقال می‌دهند. همچنین ممکن است با اعطای وام‌های پرریسک منجر به سطح بالاتر وام های معوق و ناکافی بودن سرمایه بانک و همچنین بی ثباتی بانک‌ها شوند. هیئت مدیره قوی و با کیفیت باید منافع سهامداران را دنبال نماید. هیئت مدیره ضعیف ممکن است مدیران را تشویق به افزایش ریسک بانکی و در نتیجه شرایط بانکها را ناپایدار نماید. با این حال، تنظیم‌کننده‌ها و سپرده گذاران از بانک‌ها می‌خواهند که ریسک کمتر و ثبات بیشتری داشته باشند، به‌ویژه پس از بحران مالی ۲۰۰۸ به دلیل افزایش الزامات نظارتی در مورد ثبات بانک ها، هیئت مدیره برای نظارت بر فعالیت های ریسک پذیر تحت فشار هستند (نگوین^۵، ۲۰۲۱).

1 Shair et al

2 Nguyen

3 Bank for International Settlements

4 Fama and Jensen

5 Sun and Liue

از آنجایی که هیئت مدیره ممکن است بر فعالیت های ریسک پذیر بانک از طریق کمیته حسابرسی خود نظارت کنند، بنابراین، اثربخشی کمیته حسابرسی می تواند خطرات را کاهش دهد و همچنین ثبات بانک را برای رعایت مقررات افزایش دهد. علاوه بر این، کمیته های حسابرسی می توانند افزایش کیفیت گزارشگری مالی اطلاعات با کیفیت بالا را برای بازار مالی تضمین نماید (پوچتا مارتینز و دی فوئنتس^۱، ۲۰۰۷). بر اساس این بحث، فرض می شود که کیفیت نهادی می تواند ابهامات ناشی از اطلاعات ناقص را کاهش دهد یا تشدید کند. عوامل اقتصادی در فرآیند تعامل انسانی و ایجاد انگیزه برای ایجاد فرصت های اجتماعی-اقتصادی بر این عوامل تأثیر می گذارد. بسیاری از مطالعات معتقدند که فقدان یک سیستم حقوقی مستحکم و مدیریت قانون گذاری خوب در برخی کشورها ممکن است به دلیل فساد یا اجرای ناکافی قانون و همچنین ناکارآمدی دولت منجر به عملکرد ضعیف تر بانک ها شود (پورتا و همکاران^۲، ۱۹۹۸؛ لوین^۳، ۱۹۹۸). برمی و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که بانک ها می توانند فعالیت های ریسک را در کشورهای با کیفیت نهادی بالا محدود کنند؛ بنابراین حاکمیت شرکتهای بانک ها تحت کیفیت نهادی پایین تر ممکن است به طور مؤثر عمل نکند. علاوه بر این، کیفیت نهادی بالاتر می تواند عدم تقارن اطلاعاتی را با هدایت اطلاعات در مورد شرایط بازار و با تعریف حقوق مالکیت و اجرای خوب قراردادها، کاهش دهد. یک سیستم حقوقی زمانی مؤثر است که شرکت ها بتوانند به طور قابل اعتمادی متعهد به کنترل فرصت طلبی باشند. یکی از وظایف کمیته حسابرسی کنترل رفتار افراد داخل شرکت و پیشگیری از رفتار فرصت طلبانه است؛ بنابراین فرض می شود که کمیته حسابرسی ممکن است با توجه به کیفیت بالای نهادی مؤثرتر عمل نماید (نگوین، ۲۰۲۱). با توجه به مطالب ارائه شده در تحقیق حاضر به بررسی نقش کیفیت نهادی در رابطه بین ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانک پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱. ثبات بانک:

ثبات بانکی از منظرهای مختلف در بانکداری تأثیرگذار است و میتواند بیانگر ساختار منابع بانکی و تأمین مالی داراییهای بانکی باشد. مطابق با ادبیات ثبات بانکی سرمایه پایه میتواند به بانکها برای جبران زیانهای مالی کمک نموده و سرمایه به عنوان یک عامل کاهنده انتقال شوکها و کاهش ریسک فرآیند وام دهی بانکهاست. از طرف دیگر افزایش هزینه های منابع منجر به کاهش سودآوری بانکها می شود که نتیجه آن کاهش سرمایه بانک است و بانکها در این حالت باید فرصتهای سودآور وامدهی را در نظر داشته باشند که آن نیز منجر به افزایش نرخ بهره خواهد شد. افزایش نرخ بهره در بانکها برای جلوگیری از کاهش سرمایه های بانک در آینده است (هوول^۴، ۲۰۱۲).

از دیگر شاخصهای مهم در بخش بانکداری عامل ثبات نظام بانکداری می باشد که به میزان پایداری نظام بانکداری در مقابل متغیرهای اقتصاد کلان (مانند تورم و تولید ناخالص ملی)، فاکتورهای توسعه اقتصادی و تمرکز بخش بانکداری اطلاق می شود. ثبات مالی مانند سلامت معمولاً با ضد آن تعریف می شود. بحران مالی به یک تغییر ناگهانی در همه یا در اکثر شاخصهای مالی شامل نرخهای بهره کوتاه مدت و قیمت داراییها (اوراق بهادار، سهام، مستغلات و زمین) و ورشکستگی و سقوط مؤسسات مالی

1 Pucheta De Fuentes

2 Porta et al

3 Levine

4 Hovel

اطلاق می‌شود. درحالی‌که رونق یا حباب بر حس هجوم پول به سوی داراییهای حقیقی یا مالی شناسایی می‌شود که بر انتظار استمرار در افزایش قیمت داراییها مبتنی است. ثبات مالی در یک نظام مالی زمانی اتفاق می‌افتد که سه شرط زیر حاصل شود:

- توانایی تخصیص منابع اقتصادی به شکل کارا و نیز قدرت کاری ساختن فرآیندهای اقتصادی دیگر (رشد اقتصادی، رفاه عمومی و تراکم دارایی) وجود داشته باشد.
- مدیریت مناسبی در زمینه تخمین قیمت گذاری، تخصیص و مدیریت مخاطرات مالی صورت گیرد.
- توانایی اجرای موارد فوق حتی در شرایط بروز بحرانهای خارجی وجود داشته باشد.

ثبات مالی نیز مانند سلامت، معمولاً با ضد آن تعریف می‌شود. همانگونه که گفته می‌شود انسان سالم، انسانی است که هیچ بیماری در حال حاضر سلامت وی را تهدید نکرده و به‌طور بالقوه نیز در معرض ابتلای به یک بیماری جدی قرار ندارد؛ ثبات مالی نیز به وضعی گفته می‌شود که بحرانهای مالی سیستماتیک، ثبات اقتصاد کلان را تهدید ننماید. بحران مالی به یک تغییر ناگهانی و سریع در همه یا اکثر شاخصهای مالی - شامل نرخهای بهره کوتاه مدت و قیمت داراییها (اوراق بهادار، سهام، مستغلات، زمین) و ورشکستگی و سقوط مؤسسات مالی اطلاق می‌شود. درحالی‌که رونق یا حباب بر حس هجوم پول به سوی داراییهای حقیقی یا مالی شناسایی می‌شود که بر انتظار استمرار در افزایش قیمت داراییها مبتنی است، بحران مالی بر حس خرو ناگهانی داراییها از بخش مالی به سوی پول شناسایی می‌شود. این رفتار برعکس حالت اول، مبتنی بر این باور است که قیمت داراییها رو به زوال است. بین دوران رونق و بحران مالی، ممکن است ادواری از ناآرامی و فشار مشاهده گردد (شاهچرا و نوربخش، ۱۳۹۶).

۲-۲. ساختار کمیته حسابرسی

تحقیقات نشان می‌دهد که کمیته حسابرسی نقش مهمی در تضمین اعتبار و نحوه گزارشگری مالی دارد (قشتا و علی^۱، ۲۰۲۰؛ سوبرامانیام و همکاران^۲، ۲۰۱۱). به احتمال زیاد دستکاری گزارشهای مالی توسط کمیته حسابرسی بعید است. با این حال، اگر دستکاری گزارشات مالی رخ دهد، تنها می‌تواند به دلیل عدم صداقت و پاسخگویی در بین اعضای کمیته باشد (جهمانی^۳، ۲۰۱۷). کمیته حسابرسی باید متشکل از اعضای مستقل، صادق و قابل اعتماد باشد (اشفق و روی^۴، ۲۰۱۹). ویژگی‌ها و ترکیبات کمیته حسابرسی تأثیر قابل توجهی بر عملکرد مالی واحدهای تجاری دارد. کمیته حسابرسی باید متشکل از افرادی باشد که دارای سابقه‌ای در امور مالی و حسابداری برای درک و تفسیر سریع ارقام ارائه شده در صورتهای مالی باشد (وبر^۵، ۲۰۲۰؛ قشتا و علی^۶، ۲۰۲۰). آنها باید کیفیت ترازنامه، صورت جریان نقدی و صورتهای مالی و شناسایی برخی تناقضات که ممکن است خطر حسابرسی را افزایش دهد مورد بررسی قرار دهند. به ویژه هنگامی که تضاد منافع بین مدیران شرکت و سهامداران به وجود آمده است.

تضاد منافع به اقدامات انجام شده توسط مدیران شرکت برای پیگیری منافع خود نسبت داده می‌شود. منافع خودخواهانه به قیمت از دست دادن منافع سهامداران است که در نهایت اهداف حداکثر رساندن ثروت به خطر می‌افتد (نسیم و همکاران^۶، ۲۰۱۷). مدیران ممکن است پروژه‌هایی را انجام دهند که بسیار پرخطر هستند. علاوه بر این، مدیران ممکن است با دستمزدهای کلان برای خود

1 Qeshtaa and Ali

2 Subramaniam et al

3 Juhmani

4 Ashfaq and Rui

5 Weber

6 Naseem et al

پاداش در نظر بگیرند که ثروت سهامداران را به حداقل می‌رساند. همچنین، مدیران ممکن است به پروژه‌هایی با افق زمانی طولانی‌تر از سهامداران علاقه‌مند شوند. چنین تضاد منافع به عدم تقارن اطلاعاتی نسبت داده می‌شود (کوتوپیس و بیکاریس^۱، ۲۰۱۹). کمیته حسابرسی با به حداقل رساندن این تضاد منافع به حصول اطمینان کمک می‌کند.

دقت و شفافیت کمیته حسابرسی به عنوان مکانیزمی برای نظارت بر کیفیت و اطمینان از سازگاری و رفع هرگونه اقدام متقلبانه‌ای که ممکن است رخ دهد کمک می‌نماید (قائم و همکاران^۲، ۲۰۲۰). عملکرد شرکت‌ها می‌تواند به طور قابل توجهی تحت تأثیر اثربخشی کمیته حسابرسی قرار گیرد اندازه کمیته حسابرسی ممکن است بر عملکرد شرکت تأثیر گذار باشد. اگر کمیته حسابرسی متشکل از اعضای مختلف با مهارت‌های مالی و حسابداری مناسب باشد عملکرد کیفی ممکن است تحقق یابد (عبدالجواد و همکاران^۳، ۲۰۲۰). اگر اعضای کمیته حسابرسی متشکل از اعضای باشد که تجربه زیادی در زمینه حسابرسی دارند احتمال بهبود عملکرد مالی شرکت‌ها بیشتر است (الفاروک و همکاران^۴، ۲۰۱۹). کمیته حسابرسی باید شامل یک مدیر مستقل باشد که بی طرفانه عمل کند و دقت و شفافیت گزارش‌های مالی را در شرکت افزایش دهد (کشتا و همکاران^۵، ۲۰۲۱). ساختار کمیته حسابرسی شامل ویژگی‌های کمیته حسابرسی، تخصص مالی، اندازه، استقلال کمیته حسابرسی می‌باشد. در ادامه به تشریح هریک از این ویژگی‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱. تخصص حسابداری یا مالی

تحقیقات پیشین نشان دادند که شرکت‌هایی با کارشناسان حسابداری در کمیته حسابرسی رابطه منفی با مدیریت سود دارند. همچنین رابطه مثبتی بین محافظه کاری حسابداری و تخصص حسابداری یا مالی کمیته حسابرسی پیدا کردند. دریافتند که شرکت‌ها زمانی کیفیت اقلام تعهدی بالاتری دارند که کمیته حسابرسی آنها حداقل یک کارشناس حسابداری یا مالی داشته باشد. همچنین تحقیقات یک ارتباط مثبت بین محافظه کاری حسابداری و تخصص حسابداری یا مالی کمیته حسابرسی را مستند می‌کنند. شرکت‌ها زمانی کیفیت اقلام تعهدی بالاتری دارند که کمیته حسابرسی آنها حداقل یک کارشناس حسابداری یا مالی داشته باشد. این مطالعات نشان می‌دهد که تخصص حسابداری یا مالی نقش مهمی در نظارت مدیران دارد. تای و همکاران^۶ (۲۰۱۸) دریافتند که هر چه نسبت کارشناسان مالی در کمیته حسابرسی بیشتر باشد، انگیزه برای پوشش ریسک بالاتر و احتمال داشتن نسبت پوشش ریسک بالاتر یا ریسک کمتر بیشتر است. با این حال، سان و لیو^۷ (۲۰۱۴) هیچ رابطه‌ای بین تخصص مالی و رفتارهای ریسک پذیر بانک‌ها پیدا نکردند (نگوین و دنگ^۸، ۲۰۲۰).

۲-۲-۲. استقلال کمیته حسابرسی

مؤسسه حسابرسان داخلی بیان می‌کند که: «عضو کمیته حسابرسی مستقل شخصی است که فراتر از وظایف خود به عنوان عضو کمیته، توسط سازمان استخدام شده یا خدماتی را به آن ارائه می‌دهد». تحقیقات نشان داده‌اند که بانک‌های بزرگتر و پیچیده‌تر به مدیران مستقل بیشتری نیاز دارند تا نوآوری‌ها، تنوع و استقلال را در فرآیند تصمیم‌گیری وارد کنند. کمیته‌های حسابرسی با

1 Koutoupis and Bekiaris

2 Ghaemi et al

3 Abdeljawad et al

4 Al Farooque et al

5 Qesht et al

6 Tai et al

7 Sun and Liu

8 Nguyen and dang

مدیران مستقل به طور گسترده ای کمتر با بروز مشکلات کنترل داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی مرتبط هستند. استقلال کمیته حسابرسی بیشتر از اینکه در افزایش کیفیت اقلام تعهدی و اجتناب از تجدید ارائه صورتهای مالی اثر داشته باشد، در افزایش کیفیت حسابرسی از طریق جلوگیری از تداوم گزارشات و استعفاى حسابرس تأثیر دارد. کمیته حسابرسی متشکل از اعضای مستقل و اگر حداقل دو بار در سال تشکیل جلسه می دهد، احتمال گزارش های گمراه کننده و متقلبانه را کاهش می دهد. با این حال، تحقیقات شواهدی را ارائه کردند که نشان می دهد حضور مدیران مستقل خارجی هیچ تأثیری بر سیاست مدیریت ریسک شرکت ندارد (نگوین و دنگ، ۲۰۲۰).

۲-۳. اندازه کمیته حسابرسی

بسیاری از مطالعات قبلی نشان داده اند که اندازه کمیته حسابرسی کارایی عملیاتی را کاهش داده است. اندازه هیئت مدیره و رابطه منفی آن با عملکرد شرکت، یکی از نتایج رایج در ادبیات است. هیئت مدیره کوچکتر به دلیل چابکی، انسجام و کاهش هزینه های ارتباطی و هماهنگی و همچنین مشکلات کمتر «سواری مجانی»، مؤثرتر و دارای ارزش افزوده هستند. مدیران در هیئت مدیره های بزرگ همچنین ممکن است در بیان نظرات خود در زمان محدود موجود در طول جلسات هیئت مدیره با مشکلات بیشتری مواجه شوند. با این حال، آلدامن و دانکن^۱ (۲۰۱۳) دریافتند که اندازه کمیته حسابرسی تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکت در طول بحران مالی جهانی داشت. تای و همکاران (۲۰۱۸) تأثیر مثبت و قابل توجهی بر تصمیم شرکت در مورد پوشش ریسک پیدا کردند. کمیته های حسابرسی بزرگ به احتمال زیاد دارای اعضای با تخصص های مختلف برای نظارت موثر هستند و استدلال کردند که کمیته های حسابرسی بزرگ ممکن است اثربخشی و نظارت بالاتری داشته باشند. (نگوین و دنگ، ۲۰۲۰).

۲-۳. کیفیت نهادی (راهبری شرکتی):

راهبری شرکتی را می توان به عنوان شکلی از "مدیریت" یا فرا مدیریت تعریف کرد به دلیل اینکه که مجموعه ای از روابط بین مدیریت، هیئت مدیره، سهامداران و ذینفعان را در بر می گیرد. شرکت؛ چارچوبی را برای تعیین اهداف و تعیین ابزار دستیابی به آن اهداف همچنین برای نظارت بر عملکرد و کارایی شرکت تعریف می کند. یکی از چالش های اصلی تحقیق رهبری شرکتی مربوط به تعریف معیار خوب از حاکمیت شرکتی است، یعنی شناسایی مکانیسم های راهبری شرکتی که منجر به بهبود عملکرد مالی و مشروعیت اجتماعی یا تحقق اهداف تعیین شده می شود.

تعدادی از محققان و متخصصان به منظور تجزیه و تحلیل تأثیر راهبری شرکتی بر موفقیت شرکت، از یک متغیر خاص از راهبری شرکتی در مطالعات خود استفاده کردند، در حالی که دیگران سعی کردند یک معیار ترکیبی یا یک شاخص از راهبری شرکتی ایجاد کنند. ایده پشتوانه توسعه شاخصهای راهبری شرکتی به مقایسه یا معیارسازی ویژگی های راهبری شرکتی با مقرراتی که منجر به بهترین عملکرد می شود اشاره دارد. شرکت هایی که با ارزیابی راهبری شرکتی توسعه یافته اند این امکان را دارند که خود را از سایر رقبا در بازار متمایز کنند و در نهایت مزیت استراتژیک کسب نمایند. شاخص راهبری شرکتی به عنوان یک معیار ترکیبی ممکن است پتانسیل شرکت برای دسترسی به موارد جدید منابع سرمایه و به حداقل رساندن هزینه های سرمایه در رابطه با همتایان خود افزایش دهد.

راهبری شرکتی سالم به تعادل بین مکانیزم های داخلی و خارجی بستگی دارد و اطمینان از کارایی حکمرانی به حل مشکلات طبیعی و تعارضات احتمالی که ناشی از ساختارهای شرکت است کمک می نماید. به این ترتیب، باید شرایطی را ایجاد کند که در آن رفتار

و اقدامات مدیران ارشد با منافع سهامداران و ذینفعان آن همسو باشد. همچنین باید اطمینان حاصل کند که مدیران ضعیف با مدیران بهتر جایگزین می شوند؛ به عبارت دیگر، مدیران شرکتی به جلوگیری و غلبه بر عدم تعادل بین منافع مختلف کمک می کند و همچنین اثرات منفی رفتار فرصت طلبانه را کاهش می دهد (تیپوریک و همکاران، ۲۰۲۰).

۲-۵- ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانک

کمیته های حسابرسی بخشی جدایی ناپذیر از سیستم حاکمیت شرکتی مورد نیاز برای بررسی اجمالی فرآیند گزارشگری مالی برای شرکت های فهرست شده ویتنامی هستند. نقش اول کمیته حسابرسی برای ذینفعان مهم است، زیرا گزارشگری مالی با کیفیت بهتر و افشاء عملکرد بازار را بهبود می بخشد. نقش دوم کمیته حسابرسی تکامل یافته است و به تدریج از یک مکانیسم نظارت داوطلبانه به کار گرفته شده در موقعیت های با هزینه های بالای نمایندگی برای بهبود کیفیت جریان اطلاعات به سهامداران مجدداً تعریف شده است. در حال حاضر یک جزء کلیدی از عملکرد نظارت و تمرکز افزایش علاقه عمومی و نظارتی است. انتظار این است که یک کمیته حسابرسی مستقل واجد شرایط و متعهد به عنوان یک نگهبان قابل اعتماد از منافع عمومی عمل کند. برای شرکت های آمریکایی، کمیته حسابرسی موظف است درباره ارزیابی ریسک و استراتژی های پوشش ریسک شرکت بحث و بررسی نماید (بورس سهام نیویورک^۱، ۲۰۱۱)؛ بنابراین، نقش اصلی کمیته حسابرسی برای نظارت بر فرآیندهای گزارشگری مالی و مدیریت ریسک تکامل یافته است. بر اساس تئوری نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران در ریسک پذیری وجود دارد. چندین مطالعه استدلال می کنند که مدیران بانک نیز ممکن است دارایی های پرخطر را ترجیح دهند. تا جایی که دستمزدها، ترفیعات و شرایط به رشد شرکت مربوط می شود، مدیران ممکن است در پروژه های مخاطره آمیز سرمایه گذاری کنند، حتی پروژه هایی با ارزش فعلی خالص منفی را به جای پس انداز وجوه اضافی ترجیح دهند (نگوین و دنگ، ۲۰۱۹).

با این حال، سهامداران بانک از مدیران می خواهند که در پروژه های دارای ارزش فعلی خالص مثبت با سطح ریسک معقول سرمایه گذاری کنند؛ بنابراین، با نقش نظارت بر مدیریت ریسک، ساختار کمیته حسابرسی ممکن است بر ثبات بانک تأثیر بگذارد. بسیاری از مطالعات تجربی پیشین نیز نشان می دهند که ساختار حاکمیت تأثیر خاصی بر کارایی و ریسک بانک دارد. پاتان^۲ (۲۰۰۹) یک همبستگی منفی بین استقلال هیئت مدیره و ریسک بانک و همچنین بین اندازه هیئت مدیره و ریسک بانک یافت. مینتون و همکاران^۳ (۲۰۱۱) دریافتند که نسبت متخصصان بانکداری و امور مالی در مدیریت با ریسک بانک ارتباط مثبت دارد. به طور مشابه، برگر و همکاران^۴ (۲۰۱۶) نشان دادند که سن، جنسیت و تخصص مدیریت نیز بر ریسک بانک تأثیر می گذارد. بر اساس مطالعات قبلی، سان و لیو^۵ (۲۰۱۴) دریافتند که فعالیت های مدیریت ریسک هیئت مدیره از طریق کمیته حسابرسی انجام می شود؛ بنابراین ساختار و کارایی عملیاتی کمیته حسابرسی به طور مستقیم ریسک بانک و در نتیجه ثبات بانک را تعیین می کند. اخیراً اسکندر و همکاران^۶ (۲۰۱۸) دریافتند که اولویت کاری حسابرسی داخلی به طور قابل توجهی به اجرای مدیریت ریسک شرکت در تمام مراحل کمک می کند. کمیته حسابرسی نقش مهمی در افزایش اثربخشی حسابرسی داخلی و در اجرای مدیریت ریسک، به ویژه برای توسعه خط مشی و رویه ها و استراتژی و اقدامات پیگیری دارد. پرز کورنچو و همکاران^۷ (۲۰۱۹)، دریافتند که استقلال کمیته

1 New York Stock Exchange

2 Pathan

3 Minton

4 Berger et al

5 Sun and Liu

6 Iskandar et al

7 Pérez-Cornejo et al

حسابرسی از طریق افزایش کیفیت سیستم مدیریت ریسک شرکت، شهرت شرکت را بهبود می بخشد. آنها همچنین رابطه مثبتی بین میانگین سطح تحصیلات مدیران مستقل کمیته حسابرسی و کیفیت سیستم مدیریت ریسک شرکت نشان می دهند. تای و همکاران^۱ (۲۰۱۸) بیان می کنند که کمیته حسابرسی نقش مهمی در تصمیمات پوشش ریسک شرکت ایفا می کند. در نهایت ویژگی های کمیته حسابرسی از جمله تعداد اعضای کمیته حسابرسی، تعداد جلسات کمیته حسابرسی، درصد کارشناسان مالی در کمیته حسابرسی و تعداد مدیران مستقل تأثیر مثبت و معناداری بر تصمیم شرکت در مورد پوشش ریسک دارد (نگوین و دنگ، ۲۰۱۹).

۲-۵. پیشینه تحقیق

تجوییدی و قائم پناه (۱۴۰۰)، به بررسی ویژگی های کمیته حسابرسی و مدیریت سود پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از این است که مشارکت کارشناسان مالی در کمیته حسابرسی، افزایش استقلال و اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود کمتر، رابطه معناداری دارد. همچنین، نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه یو وارونه شکلی بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت سود می باشد. به عبارت دیگر، استقلال کم کمیته حسابرسی قادر به جلوگیری از رفتارهای فرصت طلبانه مدیران نخواهد بود؛ بنابراین، زمانیکه اکثریت اعضای کمیته حسابرسی مستقل باشند بیش از ۵۰ درصد استقلال کمیته حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود می گردد.

کوهی لیلان و همکاران (۱۳۹۹)، به بررسی عوامل موثر بر ثبات بانکی پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن است ریسک نقدینگی علاوه بر تأثیر مثبت بر روی ثبات بانکی باعث شدت گرفتن تأثیر مثبت آن بر روی ثبات بانکی کشورها می شود. همچنین ریسک اعتباری روی ثبات بانکی در حالت غیر خطی که مورد تأیید قرار گرفت بسیار تأثیرگذار است. به عبارتی مطابق نتایج حاصل از مدل برآورد شده متغیرهای ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری در هر دو رژیم بیشترین تأثیر را ثبات نظام بانکداری کشورهای عضو منطقه منا دارد به طوری که تأثیر ریسک اعتباری در هر دو رژیم بیشتر از ریسک نقدینگی است. لذا تدوین راهکارهایی برای کاهش بی ثباتی در نظام بانکی کشور، مدیریت ریسک اعتباری می تواند عامل مهمی برای افزایش ثبات بانکی باشد که خود تقویت نظام پولی را در پی خواهد داشت.

صفرزاده و همکاران (۱۳۹۹)، به طراحی و تبیین الگوی ثبات نظام بانکی براساس کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. نتایج تحقیق تأییدکننده ارتباط مستقیم بین ثبات نظام بانکی و کیفیت گزارشگری مالی بانکی است. علاوه بر این، نتایج نشان می دهد با به کارگیری روش ذخیره گیری پویا به جای روش ذخیره گیری ایستا استفاده شده در شبکه بانکی کشور، می توان از طریق ارتقای کیفیت گزارشگری مالی بانک ها به تثبیت شبکه بانکی کمک کرد.

نگوین (۲۰۲۱)، ساختار کمیته حسابرسی بر ثبات بانک را مورد بررسی قرار داد. با تمرکز بر ساختار کمیته حسابرسی، نتایج تحقیق نشان داد که کمیته های حسابرسی کوچک تر و مستقل تر می توانند ثبات بانک را افزایش دهند. این نشان می دهد که اساساً ساختار کمیته حسابرسی ثبات بانک را از طریق اثر تخصیص مجدد برای سود و انگیزه های نگهداری سرمایه بالاتر افزایش می دهد. همچنین رابطه بین ثبات بانک و ساختار کمیته حسابرسی به شدت به سلامت هر بانک و کیفیت نهادی بستگی دارد.

نگوین و دنگ (۲۰۲۰)، رابطه بین ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانک در ویتنام را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که ثبات بانک به طور منفی با اندازه کمیته حسابرسی متفاوت است، اما این رابطه در بانک هایی که از خدمات حسابرسی مستقل استفاده می کنند، کاهش می یابد. علاوه بر این، رابطه ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانکی ناهمگن است و در بانک هایی با ثبات بالاتر قوی تر

است. بر اساس این نتایج، بانک‌هایی که کمیته حسابرسی بزرگی دارند باید خدمات حسابرسی مستقل با کیفیت بالا را در نظر بگیرند و به منظور اطمینان از ثبات بانک، نسبت تخصص مالی و حسابداری را در کمیته حسابرسی افزایش دهند. مسلم (۲۰۲۰)، به بررسی اثرات ویژگی‌های هیئت مدیره، کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک بر عملکرد شرکت پرداخت. یافته‌های تحقیق نتایج نشان داد که تأثیر مالکیت هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، جلسه کمیته حسابرسی، اندازه کمیته حسابرسی، تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک بر عملکرد شرکت مثبت و معنادار است، در حالی که تأثیر دوگانگی مدیر عامل و اندازه کمیته حسابرسی در عملکرد شرکت منفی است.

۳. فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: بین ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانک رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه دوم: کیفیت نهادی بر رابطه بین ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانک تأثیر معنی داری دارد.

مدل آزمون فرضیه اول

فرضیه اول تحقیق مطابق با تحقیق (نگوین، ۲۰۲۱) با استفاده از مدل رگرسیونی زیر آزمون می‌شود:

$$STAB_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ACF_{i,t} + \beta_2 ACI_{i,t} + \beta_3 ACE_{i,t} + \beta_4 BSIZ_{i,t} + \beta_5 DIV_{i,t} + \beta_6 ASQ_{i,t} + \beta_7 NIM_{i,t} + \beta_8 GDP_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم تحقیق مطابق با تحقیق (نگوین، ۲۰۲۱) با استفاده از مدل رگرسیونی زیر آزمون می‌شود:

$$STAB_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ACF_{i,t} + \beta_2 ACI_{i,t} + \beta_3 ACE_{i,t} + \beta_5 INSQ * ACF_{i,t} + \beta_5 INSQ * ACI_{i,t} + \beta_6 INSQ * ACE_{i,t} + \beta_7 BSIZ_{i,t} + \beta_8 DIV_{i,t} + \beta_9 ASQ_{i,t} + \beta_{10} STO_{i,t} + \beta_{11} NIM_{i,t} + \beta_{12} GDP_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۳-۱. تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

الف-متغیر وابسته:

ثبات بانک (STAB)

برای محاسبه ثبات بانک از معیارهای زیر استفاده شده است:

۱-Z-Score:

معیار اول برای محاسبه ثبات بانک امتیاز (Z-Score) محاسبه با استفاده از فرمول زیر می‌باشد (نگوین، ۲۰۲۱):

انحراف معیار نرخ بازده داراییها / [جمع داراییها / حقوق صاحبان سهام] + نرخ بازده داراییها [لگاریتم طبیعی]

$$Z - Score =$$

۲-نسبت واهای معوق

این متغیر برابر با نسبت وامهای معوق به کل وام بانک است (نگوین، ۲۰۲۱).

ب-متغیر مستقل تحقیق:

ساختار کمیته حسابرسی

ساختار کمیته حسابرسی مطابق با تحقیق نگوین (۲۰۲۱) شامل موارد زیر می‌باشد:

۱-اندازه کمیته حسابرسی (ACS): برابر با لگاریتم طبیعی از تعداد اعضای کمیته حسابرسی است.

۲-استقلال کمیته حسابرسی (ACI): برابر با نسبت اعضای غیر موظف کمیته حسابرسی بر کل اعضای کمیته حسابرسی است.

۳-تخصص کمیته حسابرسی (ACE): برابر با نسبت اعضای دارای تخصص مالی و حسابداری به تعداد اعضای کمیته حسابرسی است.

ج- متغیر تعدیلگر

کیفیت نهادی (INSQ):

طبق تحقیق (نگوین و همکاران، ۲۰۲۱) برای اندازه گیری کیفیت نهادی از کیفیت راهبری شرکتی استفاده می شود. با توجه به افشای کامل شاخصهای راهبری شرکتی از سوی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، در این تحقیق ابتدا مطابق با تحقیق دانرو و کیم (۲۰۰۵)، براون و کی لر (۲۰۰۶) عارف و همکاران (۲۰۰۷)، جیانگ و همکاران (۲۰۰۸)، واورو (۲۰۱۴) و مهرانی و صفرزاده (۱۳۹۰) چک لیستی متشکل از ۱۸ مؤلفه مرتبط با راهبری شرکتی که با محیط گزارشگری ایران سازگار است، تهیه گردید. سپس به منظور عملیاتی نمودن شاخص کیفیت راهبری شرکتی از روش کدگذاری و امتیازدهی استفاده شد. بر اساس این روش، به هر یک از مؤلفه های راهبری شرکتی، امتیاز صفر و یا یک با توجه به تعریف عملیاتی آنها اختصاص یافته و از جمع زدن این امتیازها، نمره مربوط به امتیاز راهبری شرکتی برای هر شرکت در هر سال محاسبه می گردد. به طوری که نمره بیشتر برای این شاخص، نشان دهنده راهبری شرکتی کاراتر و نمره کمتر برای شاخص مزبور، بیانگر راهبری شرکتی ضعیف تر می باشد که مؤلفه های راهبری شرکتی و تعریف عملیاتی آنها به شرح زیر است (صفری و همکاران، ۱۳۹۴).

استفاده از اعضای غیر مؤلف در هیئت مدیره: بیشتر بودن نسبت اعضای غیر مؤلف به کل اعضا از میانگین نسبت محاسبه شده برای کل شرکتها، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.

تفکیک نقش مدیرعامل از رئیس هیئت مدیره: عدم تفکیک نقش مدیر عامل از رئیس هیئت مدیره، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.

ثبات مدیر عامل: تغییر مدیر عامل شرکت در دو سال گذشته، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.

استفاده از متخصص حسابداری و مالی: عدم استفاده از متخصص حسابداری و مالی در هیئت مدیره، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.

غیر مؤلف بودن رئیس هیئت مدیره: مؤلف بودن رئیس هیئت مدیره، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.

کمیته حسابرسی: عدم وجود کمیته حسابرسی متشکل از اعضای غیر مؤلف هیئت مدیره در بانک عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.

تعداد جلسات هیئت مدیره: عدم اشاره به تعداد جلسات هیئت مدیره در گزارش سالیانه بانکها، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.

وجود سهام داران دارای حق کنترل: عدم وجود سهامداران دارای حق کنترل، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.

تمرکز مالکیت: بیشتر بودن درصد سهام شناور آزاد شرکت از میانگین سهام شناور آزاد کل بانکها، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.

ساختار مالکیت: عدم اشاره به ساختار مالکیت در گزارش سالیانه شرکت، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.

معاملات با اشخاص وابسته: بیشتر بودن نسبت معامله با اشخاص وابسته به فروش شرکت از میانگین کل بانکها، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.

سهامداری دولت: کمتر بودن درصد مالکیت دولت در بانکها از میانگین درصد کل بانکها، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.

وجود وب سایت اینترنتی: در صورت عدم وجود وب سایت اینترنتی برای افشای اطلاعات بانک عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.

زمانبندی تهیه اطلاعات: بانکهایی که امتیاز اطلاع رسانی آنها کمتر از ۵۰ باشد، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.
قابلیت اتکای اطلاعات: بانکهایی که دارای تعدیلات سنواتی هستند، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.
نوع اظهار نظر حسابرس: بانکهایی که اظهار نظر تعدیل شده حسابرس دریافت کردند، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.
برنامه های آتی: عدم اشاره به برنامه های آتی بانک در گزارشات سالیانه، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.
گزارش استخدام و اشتغال: عدم اشاره به وضعیت استخدام و اشتغال کارکنان، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک.

د-متغیرهای کنترلی:

اندازه بانک (BSIZE): برابر است با لگاریتم طبیعی کل داراییهای بانک در پایان دوره
تنوع درآمد (DIV): برابر است با:

[سایر درآمدهای عملیاتی - درآمد بهره] - 1

کل درآمدهای عملیاتی

کیفیت دارایی (ASQ): برابر است با نسبت ذخایر وام به کل داراییها در پایان دوره مالی

مالکیت دولتی (STO): برابر است با درصد مالکیت دولت، نهادها و موسسات دولتی در سهام بانک تقسیم بر کل سهام بانک

حاشیه سود خالص (NIM): برابر است با درآمد سرمایه گذاری منهای هزینه بهره تقسیم بر کل داراییها در پایان دوره

رشد اقتصادی (GDP): برابر است با لگاریتم طبیعی تولید ناخالص داخلی.

۲-۳. روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر، از نظر نوع، همبستگی می باشد، یعنی وجود رابطه و همبستگی بین متغیرها از طریق رگرسیون و روش شناسی پژوهش از نوع پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) می باشد. در این تحقیق از آمار توصیفی، همبستگی پیرسون و رگرسیون به منظور تجزیه تحلیل داده ها استفاده می شود. جهت برآورد مدل رگرسیونی، از نرم افزار Eviews استفاده شد.

۴. جامعه، نمونه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری این تحقیق کلیه بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ می باشد. با توجه به محدودیت تعداد بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، کلیه بانکهایی که از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ در بورس حضور داشته اند شامل ۱۸ بانک در نمونه نهایی تحقیق استفاده شده اند.

۵. یافته ها و تحلیل داده ها

۵-۱. آمار توصیفی متغیرهای مدل تحقیق

قبل از آزمون فرضیه ها در هر پژوهشی لازم است آماره های توصیفی متغیرهای بکاررفته، محاسبه و تفسیر شوند. آماره های توصیفی اعدادی هستند که به منظور بیان کمی توزیع اندازه ها در کل نمونه ی قابل مشاهده بکار می روند. نتایج در جدول ۱ درج شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرها

متغیر/آماره	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
STAB1	-۲/۳۳	-۲/۵۹	۰	-۵/۱۱	۱/۵۳	۰/۳۲	۲/۱۶
STAB2	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۱	-۰/۱۵	۰/۰۳۴	۱/۸۱	۹/۴۱
ACS	۱/۰۷	۱/۰۹	۱/۶	۰	۰/۳۲	-۲/۰۵	۸/۹۸
ACI	۰/۶۶	۰/۶۶	۱	۰	۰/۲۴۱	-۱/۱۷	۵/۲۲
ACE	۰/۷۷	۰/۹	۱	۰	۰/۲۶	-۱/۱۸	۳/۹۹
INSQ	۰/۳۵	۰/۳۳	۰/۶۲	۰/۲۲	۰/۰۸	۰/۷۱	۳/۶۶
ACS*INSQ	۰/۳۷	۰/۳۶	۰/۶۹	۰	۰/۱۴	-۰/۷۱	۴/۰۷
INSQ*ACI	۰/۲۳	۰/۲۲	۰/۵۹	۰	۰/۱۰۴	۰/۰۲	۴/۴۷
INSQ*ACE	۰/۲۸	۰/۲۵	۰/۶۲	۰	۰/۱۳۲	۰/۱۵	۲/۸
BSIZE	۲۰/۱۴	۲۰/۰۳	۲۲/۷	۱۸/۱	۱/۰۷	۰/۲۸	۲/۱۳
DIV	۰/۷۴	۱	۱۶/۳	-۲۰/۹	۲/۹	-۲/۹	۴۲/۲
ASQ	۰/۰۵	۰/۰۳۳	۰/۲۱	۰	۰/۰۵	۱/۳۹	۴/۲۹
STO	۶۳/۹	۶۹/۴	۹۳/۰	۰	۲۶/۶۸	-۰/۹۷	۲/۷۹
NIM	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	۰/۱۲	-۰/۲۷	۰/۰۴	-۳/۴۸	۱۸/۵
GDP	۱۶/۶	۱۶/۵۹	۱۷/۰۴	۱۶/۲۲	۰/۳۱	۰/۰۷	۱/۴۳
تعداد مشاهدات	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰

۵-۲. آزمون مانایی متغیرهای مدل تحقیق

۵-۲-۱. آزمون همبستگی مقاطع

قبل از برآورد الگوی داده‌های ترکیبی، لازم است آزمون پایایی متغیرها انجام شود. اما قبل از انجام آزمون پایایی داده‌های ترکیبی، باید آزمون وابستگی بین مقاطع به منظور انتخاب آزمون ریشه‌واحد مناسب انجام شود. آزمونهای مختلفی جهت بررسی پایایی متغیرهای داده‌های ترکیبی وجود دارد که انتخاب آزمون مناسب از بین آنها در گام اول نیازمند بررسی وجود وابستگی مقطعی است (بالتاجی، ۲۰۰۵). به منظور بررسی وابستگی بین مقاطع از آزمون وابستگی بین مقاطع پسران (۲۰۱۵) که نسخه تکمیل شده آزمون پسران (۲۰۰۴) است، استفاده شده است. در صورت تایید وابستگی مقطعی در داده‌های ترکیبی، استفاده از روشهای مرسوم ریشه واحد داده‌های ترکیبی نظیر آزمون لوین، لین و چو^۱ (LIC)، ایم، پسران وشین^۲ (IPS)، احتمال وقوع نتایج ریشه واحد کاذب را افزایش خواهد داد. برای رفع این مشکل آزمونهای ریشه واحد داده‌های ترکیبی متعددی وجود وابستگی مقطعی پیشنهاد شده است که آزمون ریشه واحد پسران^۳ (CIPS) از آنجمله است. آماره آزمون پسران از توزیع نرمال استاندارد پیروی کرده و توانایی کاربرد در پانلهای متوازن

1 Levin, Lin & Chu t(LLC)

2 Im, Pesaran and Shin W-stat(IPS)

3 Pesaran's Cross-Section Test

و غیر متوازن و مدل‌های اثرات ثابت و و تصادفی را دارد. فرضیه صفر در این آزمون آنست که پسماندها همبسته نیستند و در نتیجه وابستگی مقطعی وجود ندارد. نتایج آزمون وابستگی مقطعی پسماندهای مدل در جدول زیر ارائه شده است.

جدول (۲) نتایج آزمون همبستگی مقاطع مدل تحقیق

مدل	متغیر وابسته	آزمون	آماره	احتمال
مدل اول	Z-Score	Pesaran's Cross-Section Test	۳/۱۹	۰/۳۲
	نسبت وام معوق به کل وام	Pesaran's Cross-Section Test	۱/۴۶	۰/۱۴۳
مدل دوم	Z-Score	Pesaran's Cross-Section Test	۲/۷۷	۰/۵۵
	نسبت وام معوق به کل وام	Pesaran's Cross-Section Test	۱/۵	۰/۱۳۳

با توجه به نتایج جدول ۳ و احتمال آزمون پسران که بیشتر از ۰/۰۵ است فرضیه صفر در سطح معنی داری ۰/۹۵ رد نمی‌شود به عبارت دیگر پسماندها در میان مقاطع همبستگی ندارند و وابستگی مقطعی وجود ندارد. با توجه به عدم وابستگی مقاطع آزمون ریشه واحد با استفاده از روش لوین، لین و چو صورت می‌گیرد. در آزمون ریشه واحد فرضیه صفر بیانگر وجود ریشه واحد بوده و در صورتیکه احتمال جدول کوچکتر از ۰/۰۵ باشد به احتمال ۹۵ درصد فرضیه صفر پذیرفته نمی‌شود. نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد برای متغیرهای مدل به شرح جدول (۳) می‌باشد:

جدول (۳) نتایج آزمون ریشه واحد (Levin, Lin & Chu) LLC، با عرض از مبدأ و روند

متغیر	آماره آزمون	سطح احتمال آماره	نتیجه آزمون
STAB1	-۱۴/۰۸	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
STAB2	-۱۵/۲۱	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
ACS	-۱۰/۱	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
ACI	-۱۴/۳۱	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
ACE	-۲۵/۱۴	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
INSQ	-۱۸/۲۶	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
ACS*INSQ	-۱۲/۲	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
INSQ*ACI	-۱۳/۲۵	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
INSQ*ACE	-۲۲/۲۲	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
BSIZE	-۱۰/۲۱	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
DIV	-۱۱/۲۲	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
ASQ	-۳۳/۴۱	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
STO	-۲۰/۲۵	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
NIM	-۳۱/۸۵	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
GDP	-۳۴/۲۱	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح

با توجه به نتایج حاصل از جدول (۳) مشخص گردید که تمامی متغیرها مانا بودند.

۳-۵. آزمون هم خطی متغیرهای مستقل مدل تحقیق

طبق این فرض هیچ رابطه دقیقی بین هیچ یک از متغیرهای توضیحی وجود ندارد بنابراین لازم است هیچ یک از متغیرهای توضیحی با هیچ یک از متغیرهای توضیحی دیگر و یا با هر ترکیب خطی از متغیرهای توضیحی دیگر، کاملاً همبسته نباشند. وقتی که این فرض نقض شود سخن از هم خطی مرکب به میان می آید. موارد حائز اهمیت، درجه‌های بالای هم خطی است و وقتی پیش می آید که یکی از متغیرهای توضیحی با متغیر توضیحی دیگر و یا ترکیب خطی متغیرهای توضیحی دیگر به شدت همبسته باشد. برای بررسی وجود و جهت همبستگی خطی بین متغیرهای مستقل تحقیق، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول (۴) ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای مستقل مدل تحقیق

GD P	NIM	ST O	AS Q	DIV	BSIZ E	INSQ*AC E	INSQ*AC I	ACS*INS Q	INS Q	ACE	ACI	ACS
												۱ ACS
											۱	۰/۳۱ ACI
										۱	۰/۳۰	۰/۳۲ ACE
									۱	۰/۱۱۲	-۰/۲۴	۰/۱۷ INSQ
								۱	۰/۴۸	۰/۳۸	۰/۱۲	۰/۴۶ ACS*INS Q
							۱	۰/۳۷	۰/۲۶	۰/۳۳	۰/۴۳	۰/۲۰ INSQ*AC I
						۱	۰/۴۱	۰/۴۰	۰/۴۱	۰/۴۲	۰/۱۱	۰/۱۹ INSQ*AC E
					۱	۰/۱۹	۰/۳۲	۰/۳۴	۰/۳۸	۰/۰۰۱	۰/۱۳	۰/۱۴ BSIZE
				۱	-۰/۰۳	-۰/۰۱	-۰/۰۱۳	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۱۲	۰/۰۰۸ DIV
			۱	۰/۰۸	۰/۵۵	۰/۳۷	۰/۲۸	۰/۳۲	۰/۴۱	۰/۱۷۷	۰/۰۸	۰/۴۵ ASQ
		۱	۰/۴۸	۰/۲۵	۰/۴۹	۰/۱۰	-۰/۲۱	-۰/۱۱	-۰/۳۵	۰/۰۹۸	۰/۰۱۵	۰/۱۱ STO
	۱	۰/۲۱	۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۲۳	۰/۲۷	۰/۱۶	۰/۱۳	۰/۳۵	۰/۱۶۶	-۰/۰۳	۰/۱۱ NIM
۱	۰/۰۲۳	۰/۰۹	۰/۱۸	۰/۰۹	۰/۳۴	۰/۰۷	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۰۹	۰/۰۰۵	۰/۱۱ GDP

جدول (۵) نتایج آزمون F لیمر مدل را نشان می دهد. با توجه به اینکه P-value بدست آمده از آزمون F لیمر کمتر از ۵ درصد است، به منظور برآورد این مدل از مدل داده های پانل (Panel) استفاده خواهد شد.

جدول (۵) آزمون اف لیمر (چاو) مدل اول تحقیق

نتیجه	احتمال	آماره	نوع آزمون		
مدل ۱			F لیمر	Z-Score	
Panel	۰/۰۰۳	۲/۶			
Panel	۰/۰۲۲	۲/۰۳	F لیمر	نسبت وام معوق به کل وام	
مدل ۲			F لیمر	متغیر وابسته: z-	
Panel	۰/۰۰۳۵	۲/۵۹		score	
Panel	۰/۰۲۵	۲/۰۰۲	F لیمر	متغیر وابسته: نسبت وام معوق به کل وام	

۵-۴. آزمون هاسمن مدل تحقیق

در مرحله بعد به بررسی این موضوع پرداخته می شود که آیا عرض از مبدأ بصورت اثرات ثابت است یا اینکه در ساختار واحدهای مقطعی بصورت تصادفی عمل می کند. آماره این آزمون که برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی بودن تفاوت های واحدهای مقطعی است دارای توزیع کای-دو با درجه آزادی برابر با تعداد متغیرهای مستقل بوده است. جدول (۶) نتایج مربوط به آزمون هاسمن مدل های را نشان می دهد. با توجه به اینکه P-value بدست آمده از آزمون هاسمن در مدل های فوق کمتر از ۵ درصد است، به منظور برآورد این مدل توجیه می شود که الگوی مناسب، الگوی مبتنی بر الگوی اثرات ثابت می باشد.

جدول (۶) نتایج آزمون هاسمن مدل تحقیق

نتیجه	احتمال	آماره	نوع آزمون		
مدل ۱			Cross-section Random	Z-Score	
اثرات تصادفی ((RE	۰/۸۵	۵/۴۶			
اثرات ثابت ((FE	۰/۰۰۰۶	۱۷/۳	Cross-section Random	نسبت وام معوق به کل وام	
مدل ۲			Cross-section Random	متغیر وابسته: z-	
اثرات تصادفی ((RE	۰/۹۳	۶/۳۴		score	
اثرات ثابت ((FE	۰/۰۰۰۶	۱۵/۳۵	Cross-section Random	متغیر وابسته: نسبت وام معوق به کل وام	

۵-۵. نتایج برآورد مدل تحقیق

۵-۵-۱. آزمون فرضیه اول تحقیق

جدول (۷) نتایج حاصل از برآورد مدل ۱

متغیر	ضرایب	آماره t	احتمال	ضرایب	آماره t	احتمال
C	-۱۹/۷	-۲/۶۴	۰/۰۰۹	-۰/۰۳	-۱/۴۲	۰/۱۵
ACS	۰/۴۷	۰/۶۶	۰/۵۰	۰/۰۰۶	۰/۷۷	۰/۴۳

متغیر وابسته: نسبت وام معوق به کل وام			Z-score: متغیر وابسته		
ACI	۰/۲۲	۰/۳۲	۰/۷۴	-۰/۰۱	-۲/۰۵
ACE	-۰/۰۸	-۰/۱۲۲	۰/۹۰۲	-۰/۰۱	-۴/۰۹
BSIZE	۰/۰۵	۰/۱۷	۰/۸۶	۰/۰۰۵	۱/۰۸
DIV	-۰/۱۴	-۳/۱۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰۹	۴/۷۵
ASQ	-۴/۳۶	-۱/۰۹	۰/۲۷۸	۰/۰۵	۲/۰۱
STO	-۰/۰۰۰۹	-۰/۰۰۹	۰/۹۲	-۰/۰۰۵۱۴	-۰/۷۹
NIM	-۴/۷	-۱/۰۴	۰/۲۹	۰/۳۸۷	۹/۰۸
GDP	۱/۰۲	۱/۹۳	۰/۰۵۶	-۰/۰۰۴	-۰/۸۰۴
ضریب تعیین: ۰/۲۱			ضریب تعیین: ۰/۸۲		
ضریب تعیین تعدیل یافته: ۰/۱۱			ضریب تعیین تعدیل یافته: ۰/۷۴		
آماره دوربین واتسون: ۱/۸۷			آماره دوربین واتسون: ۱/۷۹		
آماره F: ۲/۱۴			آماره F: ۱۰/۷		
احتمال آماره F: ۰/۰۰۰			احتمال آماره F: ۰/۰۰۰		

فرضیه اول تحقیق بیان می کند که بین ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانک رابطه معنی داری وجود دارد.

همانطور که در جدول ۷ مشاهده می شود ضریب متغیرهای مستقل معیار ساختار کمیته حسابرسی شامل اندازه کمیته حسابرسی (ACS)، استقلال کمیته حسابرسی (ACI) و تخصص کمیته حسابرسی (ACE) در متغیر وابسته **z-score** به ترتیب برابر با ۰/۲، ۰/۴ و ۰/۸- است و سطح معنی داری تمامی این متغیرها بیش از ۰/۰۵ می باشد؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت بین ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانک معیار **z-score** رابطه معنی داری وجود ندارد.

همچنین در متغیر وابسته نسبت وام معوق به کل وام ضریب متغیرهای مستقل استقلال کمیته حسابرسی (ACI) و تخصص کمیته حسابرسی (ACE) به ترتیب برابر با ۰/۰۱- و ۰/۰۱- می باشد و سطح معنی داری این متغیرها کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت بین استقلال کمیته حسابرسی و تخصص کمیته حسابرسی و نسبت وام معوق بانک رابطه منفی و معنی داری وجود دارد؛ به عبارت دیگر با افزایش استقلال و تخصص کمیته حسابرسی مطالبات معوق بانک کاهش یافته و ثبات بانک افزایش می یابد.

از بین متغیرهای کنترلی نیز متغیر تنوع درآمد (DIV) رابطه منفی و معنی داری با متغیر وابسته **z-score** دارد و متغیرهای تنوع درآمد (DIV)، کیفیت دارایی (ASQ) و حاشیه سود خالص (NIM) رابطه مثبت و معنی داری را با نسبت مطالبات معوق به نمایش گذاشته اند.

در بررسی معنی دار بودن مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچکتر می باشد (۰/۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کل مدل تایید می شود. ضریب تعیین در مدل **z-score** برابر با ۰/۲۱ و در مدل حق الزحمه حسابرسی برابر با ۰/۸۲ است بدین معنا که متغیر مستقل به ترتیب در مدل اول ۲۱ درصد و در مدل دوم ۸۲ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می دهد. لذا الگو از قدرت لازم برای تفسیر نتایج برخوردار است. خود همبستگی: برای بررسی این فرضیه از آماره دوربین واتسون استفاده می شود. در صورتی که میزان این اماره در فاصله ی ۱/۵ الی ۲/۵ قرار بگیرد فرض وجود خود همبستگی بین جملات باقیمانده رد می شود. در این تحقیق میزان آماره دوربین واتسون برای مدل های تاخیر در گزارش حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی به ترتیب برابر با ۱/۸۷ و

۱/۷۹ بوده است که نشان دهنده ی عدم خود همبستگی می باشد؛ بنابراین در جملات باقیمانده ی این الگوی رگرسیونی خودهمبستگی وجود ندارد.

۵-۲-۲. آزمون فرضیه دوم تحقیق

جدول (۹) نتایج حاصل از برآورد مدل ۲

متغیر وابسته: Z-SCORE			متغیر وابسته: نسبت وام معوق به کل وام		
متغیر	ضرایب	آماره t	احتمال	ضرایب	آماره t
C	-۲۱/۴	-۲/۶۷	۰/۰۰۹	-۰/۰۶۶	-۱/۹۱
ACS	-۱/۴۶	-۰/۳۷	۰/۷۱۲	۰/۰۳۳	۱/۰۳
ACI	۲/۱۷	۰/۷۳	۰/۴۶۵	-۰/۰۲۶	-۲/۰۴
ACE	۲/۰۰۴	۰/۰۶۶	۰/۵۰۷	-۰/۰۴	-۲/۲۸
INSQ	-۰/۹۲	-۰/۱۰۷	۰/۹۱۴	۰/۰۶	۱/۳
ACS*INSQ	۵/۴۸	۰/۵۵۵	۰/۵۸	-۰/۰۶	-۰/۸۳۳
INSQ*ACI	-۴/۴۱	-۰/۶۵۵	۰/۵۱۴	-۰/۰۳	-۰/۵۰۹
INSQ*ACE	-۶/۰۶	-۰/۷۴۸	۰/۴۵۶	۰/۰۵	۰/۶۹
BSIZE	۰/۰۵	۰/۱۵۶	۰/۸۷۵	۰/۰۰۵	۱/۰۵
DIV	-۰/۱۵۲	-۳/۱۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰۹	۵/۲۴
ASQ	-۴/۴۵	-۱/۰۱	۰/۳۱۱	۰/۰۶	۱/۹۴
STO	-۰/۰۰۳	-۰/۰۳	۰/۹۷۵	-۰/۰۰۲۴۷	-۰/۴۷
NIM	-۴/۸۳	-۰/۹۷	۰/۳۳۳	۰/۳۸۴	۸/۴۲
GDP	۱/۰۷۹	۱/۹	۰/۰۵۹	-۰/۰۰۴	-۰/۷۰۷
ضریب تعیین: ۰/۲۲			ضریب تعیین: ۰/۸۲		
ضریب تعیین تعدیل یافته: ۰/۱۸			ضریب تعیین تعدیل یافته: ۰/۷۳		
آماره دوربین واتسون: ۱/۹			آماره دوربین واتسون: ۱/۸۹		
آماره F: ۱۰/۶			آماره F: ۹/۰۶		
احتمال آماره F: ۰/۰۰۰			احتمال آماره F: ۰/۰۰۰		

فرضیه دوم تحقیق بیان می کند که کیفیت نهادی بر رابطه بین ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانک تاثیر معنی داری دارد. همانطور که در جدول ۹ مشاهده می شود ضریب متغیرهای مستقل اندازه کمیته حسابرسی* کیفیت نهادی (ACS*INSQ)، استقلال کمیته حسابرسی* کیفیت نهادی (ACI*INSQ) و تخصص کمیته حسابرسی* کیفیت نهادی (ACE*INSQ) در متغیر وابسته **z-score** به ترتیب برابر با ۵/۴۸، -۴/۴۱ و -۶/۰۶ است و سطح معنی داری تمامی این متغیرها بیش از ۰/۰۵ می باشد؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت کیفیت نهادی بر رابطه بین ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانک معیار **z-score** تاثیر معنی داری ندارد. همچنین در متغیر وابسته نسبت وام معوق به کل وام ضریب متغیرهای مستقل اندازه کمیته حسابرسی* کیفیت نهادی (ACS*INSQ)، استقلال کمیته حسابرسی* کیفیت نهادی (ACI*INSQ) و تخصص کمیته حسابرسی* کیفیت نهادی (ACE*INSQ) به ترتیب برابر با ۰/۴۰، ۰/۶۱ و ۰/۴۸۷ است و سطح معنی داری تمامی این متغیرها بیش از ۰/۰۵ می باشد؛ بنابراین

می توان نتیجه گرفت کیفیت نهادی بر رابطه بین ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانک معیار نسبت وام معوق به کل وام تاثیر معنی داری ندارد.

همانطور که در جدول ۹ مشاهده می شود ضریب متغیرهای مستقل اندازه کمیته حسابرسی*کیفیت نهادی (ACS*INSQ)، استقلال کمیته حسابرسی*کیفیت نهادی (ACI*INSQ) و تخصص کمیته حسابرسی*کیفیت نهادی (ACE*INSQ) در متغیر وابسته **z-score** به ترتیب برابر با ۵/۴۸، ۴/۴۱- و ۶/۰۶- است و سطح معنی داری تمامی این متغیرها بیش از ۰/۰۵ می باشد؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت کیفیت نهادی بر رابطه بین ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانک معیار **z-score** تاثیر معنی داری ندارد.

همچنین در متغیر وابسته نسبت وام معوق به کل وام ضریب متغیرهای مستقل اندازه کمیته حسابرسی*کیفیت نهادی (ACS*INSQ)، استقلال کمیته حسابرسی*کیفیت نهادی (ACI*INSQ) و تخصص کمیته حسابرسی*کیفیت نهادی (ACE*INSQ) به ترتیب برابر با ۰/۴۰، ۰/۶۱ و ۰/۴۸۷ است و سطح معنی داری تمامی این متغیرها بیش از ۰/۰۵ می باشد؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت کیفیت نهادی بر رابطه بین ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانک معیار نسبت وام معوق به کل وام تاثیر معنی داری ندارد.

از بین متغیرهای کنترلی نیز متغیر تنوع درآمد (DIV) رابطه منفی و معنی داری با متغیر وابسته **z-score** دارد و متغیرهای تنوع درآمد (DIV) و حاشیه سود خالص (NIM) رابطه مثبت و معنی داری را با نسبت مطالبات معوق به نمایش گذاشته اند.

در بررسی معنی دار بودن مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچکتر می باشد (۰/۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کل مدل تایید می شود. ضریب تعیین در مدل **z-score** برابر با ۰/۲۲ و در مدل حق الزحمه حسابرسی برابر با ۰/۸۲ است بدین معنا که متغیر مستقل به ترتیب در مدل اول ۲۲ درصد و در مدل دوم ۸۲ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می دهد. لذا الگو از قدرت لازم برای تفسیر نتایج برخوردار است. خود همبستگی: برای بررسی این فرضیه از آماره دوربین واتسون استفاده می شود. در صورتی که میزان این اماره در فاصله ی ۱/۵ الی ۲/۵ قرار بگیرد فرض وجود خود همبستگی بین جملات باقیمانده رد می شود. در این تحقیق میزان آماره دوربین واتسون برای مدل های Z-Score و نسبت وام معوق به کل وام به ترتیب برابر با ۱/۹ و ۱/۸۹ بوده است که نشان دهنده ی عدم خود همبستگی می باشد؛ بنابراین در جملات باقیمانده ی این الگوی رگرسیونی خودهمبستگی وجود ندارد.

۵-۶. آزمون نرمال بودن جملات خطا مدل

نرمال بودن باقیمانده های مدل رگرسیونی یکی از فرض های رگرسیونی است که نشان دهنده اعتبار آزمون های رگرسیونی است. این فرض بیان می کند که توزیع آماری^۱ جمله خطا باید نرمال^۲ باشد. عدم برقراری این فرض می تواند ناشی از وجود داده های پرت^۳ باشد. در این تحقیق از آزمون جارک- برا، جهت بررسی نرمال بودن توزیع مقادیر خطا استفاده شده است. در این آزمون فرض صفر مبتنی بر نرمال بودن است که در صورت به دست آمدن احتمال تایید بیشتر از ۵ درصد، فرض صفر با احتمال ۹۵ درصد اطمینان تایید می شود. یکی دیگر از مفروضات معادله رگرسیون، ثابت بودن واریانس خطاها می باشد که به عنوان فرض همسانی واریانس شناخته می شود. در صورتیکه خطاها، واریانس ثابتی داشته باشند، گفته می شود که همسانی واریانس وجود دارد. برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس از روش حداقل مربعات تعمیم یافته تخمینی^۴ استفاده شده است. در واقع با ساختن واریانس جزء اخلاص و از طریق

1 statistical distribution

2 Normal

3 Outliers

4 EGLS

روش مذکور به صورتی که با تقسیم تمامی متغیرها بر واریانس جزء اخلال به برآورد دوباره مدل از طریق وزن دادن به متغیرها پرداخته‌ایم. روش حداقل مربعات تعمیم یافته تخمینی به نوعی تعدیل یافته GLS است و داده‌ها را برش نمی‌زند بلکه آن را تعدیل می‌کند. برای تشخیص ناهمسانی واریانس در مدل از روش‌های مختلفی مانند روش ترسیمی، روش وایت، روش گلد فلد کوانت، روش پارک، روش بارتلت، روش پیک، گلچسر و اسپیرمن می‌توان استفاده کرد (سوری، ۱۳۹۷).

در این تحقیق، پس از برآورد مدل‌های تحقیق و انتخاب الگوی برتر جهت تخمین مدل، از آزمون بارتلت جهت شناسایی ناهمسانی واریانس استفاده شده است. نتایج آزمون نرمال بودن و همسانی واریانس جملات خطا در جدول ۱۰ ارائه شده است.

جدول (۱۰) نتایج آزمون نرمالیت باقیمانده مدل

همسانی واریانس: Bartlett		نرمالیت: جاک-برا		Z-Score	مدل اول
آماره	احتمال	آماره	احتمال		
۸/۷	۰/۰۶۲	۰/۰۷	۰/۹۶		
۴/۲۹	۰/۳۶	۱۴/۲۲	۰/۱۲	نسبت وام معوق به کل وام	
۵/۸	۰/۱۲۱	۰/۴۴	۰/۷۹	متغیر وابسته: z-score	مدل دوم
۲/۶۸	۰/۲۶۳	۵/۸۷	۰/۰۵	متغیر وابسته: نسبت وام معوق به کل وام	

۶. نتیجه گیری

ادبیات حاکمیت شرکتی به طور فزاینده ای تشخیص می دهد که هیئت مدیره نقش مرکزی در کاهش مشکلات نمایندگی و افزایش عملکرد شرکت دارند؛ زیرا هیئت مدیره معمولاً وظایف خود را از طریق کمیته های هیئت مدیره انجام می دهد؛ بنابراین، برخی از مطالعات تجربی سعی می کنند بررسی کنند که آیا اثربخشی کمیته حسابرسی می تواند کارایی شرکت را افزایش دهد یا خیر. هوانگ و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند که تخصص مالی یا حسابداری در کمیته حسابرسی ارتباط مثبتی با کارایی شرکت دارد. منون و ویلیامز (۱۹۹۴) دو ویژگی کمیته حسابرسی (تکرار جلسات و استقلال) را برای تعیین اینکه آیا هیئت مدیره مستقیماً به کمیته حسابرسی به عنوان ابزاری برای کنترل مدیران متکی است یا خیر، در نظر گرفتند و دریافتند که این دو ویژگی نظارت بر شرکت را بهبود می بخشد و در نتیجه عملکرد آن می تواند بهبود یابد. رحمان و همکاران (۲۰۰۶) و صالح و همکاران (۲۰۰۷) شواهدی ارائه کرد مبنی بر اینکه تعداد کمتری از جلسات کمیته حسابرسی عملکرد مالی شرکت را بهبود بخشید زیرا هزینه اضافی را که با هر جلسه متحمل می شد کاهش داد. این نتایج نشان می دهد که اثربخشی کمیته حسابرسی می تواند کارایی شرکت را افزایش دهد. همچنین برخی از مطالعات قبلی به بررسی نقش هیئت مدیره در کنترل ریسک پذیری بانک می پردازد. پاتان (۲۰۰۹) دریافت که یک هیئت مدیره قوی (هیئت مدیره منعکس کننده منافع بیشتر سهامداران است) ریسک پذیری در بانک های ایالات متحده را افزایش می دهد. مینتون و همکاران (۲۰۱۱) رابطه مثبت بین تخصص مالی، مدیران مستقل و ریسک بانک را گزارش کردند. این یافته ها نشان می دهد که اثربخشی بالای هیئت مدیره ممکن است ریسک پذیری را افزایش دهد. از آنجا که هیئت مدیره مستقیماً بر فعالیت های ریسک پذیر بانک نظارت نمی کند، از طریق کمیته حسابرسی (سان و لیو، ۲۰۱۴)، اثربخشی کمیته حسابرسی می تواند ریسک پذیری در بخش های بانکی را محدود کند. علاوه بر این، اثربخشی بالاتر کمیته حسابرسی ممکن است یک عامل کلیدی برای کاهش ریسک های بیش از حد مدیران برای کسب سود در کوتاه مدت و کسب منفعت شخصی باشد، اگرچه این اقدامات واقعاً

برای سهامداران به حداکثر رساندن ارزش نیستند چنگ و همکاران (۲۰۱۰) و نگوین و دنگ (۲۰۲۰) برخی از ویژگی های کمیته حسابرسی را به طور قابل توجهی با ریسک بانک و ثبات بانک مرتبط می دانند (نگوین، ۲۰۲۲). یافته های مربوط به فرضیه اول تحقیق نشان داد که بین استقلال کمیته حسابرسی و تخصص کمیته حسابرسی و نسبت وام معوق بانک رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. با توجه به یافته های تحقیق کمیته حسابرسی مستقل و دارای تخصص مالی با نظارت بیشتر بر بخشهای مختلف بانک بخصوص سیستم پرداخت تسهیلات، موجب کاهش رانت شده و از پرداخت تسهیلات با ریسک عدم پرداخت بالا جلوگیری می نماید. کمیته حسابرسی به عنوان یک سیستم نظارتی قوی عمل نموده و هرچقدر ساختار این کمیته مطلوبتر باشد عملکرد نظارتی مطلوبتری نیز خواهد داشت. یافته های این فرضیه با تحقیق نگوین (۲۰۲۱)، نگوین و دنگ (۲۰۲۰) همخوانی دارد.

یافته های فرضیه دوم تحقیق نشان می دهد کیفیت نهادی تأثیری بر رابطه بین ساختار کمیته حسابرسی و ثبات بانک ندارد. این نتایج نشان می دهد، با وجود اینکه کمیته حسابرسی یکی از کمیته های هیئت مدیره می باشد اما به عنوان یک مکانیزم مستقل عمل می نماید و کیفیت مطلوب یا نامطلوب مکانیزمهای حاکمیت شرکتی بانک تأثیری بر عملکرد کمیته حسابرسی ندارد یافته های این فرضیه با تحقیق نگوین (۲۰۲۱)، نگوین و دنگ (۲۰۲۰) و برگر و همکاران (۲۰۱۶) همخوانی ندارد اما با تحقیق برمی و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی دارد.

۷. پیشنهادهای کاربردی

- ۱- با توجه به اینکه ساختار کمیته حسابرسی مستقل و دارای تخصص مالی موجب کاهش مطالبات معوق بانک می شود و بدین ترتیب ثبات بانک افزایش می یابد. به هیئت مدیره بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پیشنهاد می شود که در کمیته حسابرسی خویش از اعضای مستقل و دارای تخصص مالی استفاده نمایند و ریسک عدم پرداخت تسهیلات را کاهش دهند.
- ۲- به تنظیم کنندگان مقررات پیشنهاد میشود هنگام طراحی مقررات بخش بانکی نقش کمیته حسابرسی را در ثبات بانک روشن کنند. همچنین به بانک ها دستور دهند تا ساختار کمیته حسابرسی مناسبی را برای بهبود اثربخشی خویش ایجاد کنند.
- ۳- به دولت پیشنهاد می شود به ارتقای کیفیت سازمانی توجه بیشتری داشته باشند. این ممکن است به طور غیرمستقیم باعث شود که حاکمیت شرکتی بانک ها کارآمدتر عمل کند و به حفظ ثبات کمک کند.

۸. منابع و مآخذ

۱. شاهچرا مهشید، نوربخش فاطمه. (۱۳۹۵). اندازه بانک و ثبات عملکرد بانکی در شبکه بانکی کشور. پژوهش های پولی بانکی. ۹(۲۹). صص ۴۲۷-۴۵۶.
۲. کوهی لیلان، بابک، دباغ، رحیم، کیاالحسینی، سید ضیاءالدین، رهبر، فرهاد. (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر ثبات نظام بانکی در کشورهای منتخب منطقه منا. توسعه و سرمایه. ۶(۱)، صص ۱-۱۸.
۳. تجویدی، الناز، قائم پناه، محسن. (۱۴۰۰). ویژگی های کمیته حسابرسی و مدیریت سود. تحقیقات حسابداری و حسابرسی. ۱۳(۴۹). ۱۴۰-۱۵۵.
4. Abdeljawad, I., Oweidat, G.A., & Saleh, N.M. (2020). Audit committee versus other governance mechanisms and the effect of investment opportunities: evidence from Palestine. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*
5. Ashraf Abdelbadie, R. & Salama, A. (2019). Corporate governance and financial stability in US banks: Do indirect interlocks matter? *Journal of Business Research*, 104, 85-105.

6. Bermpei, T., Kalyvas, A., Nguyen, T.C., (2018). Does institutional quality condition the effect of bank regulations and supervision on bank stability? Evidence from emerging and developing economies. *Int. Rev. Financ. Anal.* 59, 255–275.
7. Ghaemi, F., Moradi, Z., & Alavi, G.H. (2020). The Effect of Audit Committee Characteristics on Internal Controls and Earnings Management.
8. Ghaemi, F., Moradi, Z., & Alavi, G.H. (2020). The Effect of Audit Committee Characteristics on Internal Controls and Earnings Management.
9. Koutoupis, A.G., & Bekiaris, M. (2019). Audit Committees impact on Company Performance: The Greek & Italian Experience. *International Journal of Auditing and Accounting Studies*, 1(1), 1-12.
10. Machado, J.A., Silva, J.S., (2019). Quantiles via moments. *J. Econometrics* 213 (1), 145–173.
11. Musallam, S.R., (2020). Effects of board characteristics, audit committee and risk management on corporate performance: evidence from Palestinian listed companies. *Int. J. Islamic Middle Eastern Finance Manag.*
12. Nguyen, Q., Dang, V., (2020). Audit committee structure and bank stability in Vietnam. *ACRN J. Finance Risk Perspect.* 8 (1), 240–255.
13. Nguyen, Q.K., (2020). Ownership structure and bank risk-taking in ASEAN countries: a quantile regression approach. *Cogent Econ. Finance* 8 (1), 1809789.
14. Nguyen, Quang Khai. (2021). Audit Committee Structure, Institutional Quality, and Bank Stability: Evidence from ASEAN Countries. *Finance Research Letters*. 102369. 10.1016/j.frl.2021.102369.
15. Qeshtaa, M., & Ali, B.J., (2020). The moderating effect of the effectiveness of the audit committee between ownership concentration and intellectual capital disclosures among companies in gulf co-operation council. *International Journal of Psychosocial Rehabilitation*, 24(1), 5979-5986.
16. Qeshtaa, M., & Ali, B.J., (2020). The moderating effect of the effectiveness of the audit committee between ownership concentration and intellectual capital disclosures among companies in gulf co-operation council. *International Journal of Psychosocial Rehabilitation*, 24(1), 5979-5986
17. Tai, V. W., Lai, Y.-H., & Yang, T.-H. (2018). The role of the board and the audit committee in corporate risk management. *The North American Journal of Economics and Finance*.

The role of institutional quality in the relationship between audit committee structure and bank stability

Elham Mansourinia^{*1}
Amirhosein Azimi²

Date of Receipt: 2022/06/11 Date of Issue: 2022/08/22

Abstract

The role of audit committee in maintaining banking stability has become increasingly important. As the main mechanism of corporate governance, the audit committee plays the supervisory role of the audit of the companies as well as the country's banking system. The purpose of this research is to explain the role of institutional quality in the relationship between the structure of the audit committee and the stability of the bank. This research is applied in terms of purpose and correlational in terms of nature and causal method. The statistical population of the research was all the banks admitted to the stock exchange in the 5-year period of 1395 and 1399, which was studied through systematic elimination sampling, in total 18 banks. The regression model and combined data were used to test the research hypotheses. The research showed that in the structure of the audit committee, the independence and expertise of the elements has a negative effect on the outstanding items of the bank and the bank increases. But institutional quality has no effect on the relationship between audit committee structure and bank stability. Therefore, by increasing the number of independent members with financial expertise in the audit committee, the payment rate will be limited and the stability of the bank will increase.

Keyword

Audit committee structure, institutional quality, bank stability

1. Department of Management, Faculty of Management and Accounting, Farvardin Institute of Higher Education, Ghaemshar, Iran (*Corresponding Author: Elham.mansourinia@gmail.com)

2. Faculty of Accounting, Farvardin Institute of Higher Education, Ghaemshahr, Iran.